

درباره: «بایب تخفیف مجازات و مزایای آزادی» شروط

شیطان که بکیفر نافرمانی بیخطاب «رجیم» موسوم و مطرود درگاه گردید تاکنون بر اثر اجرای این مجازات متنبه نشده و براه صلاح و طاعت بازنگشته است. و آدم که در بهشت عدن میزیست چون از حدود قواعد آن سرزمین تجاوز کرد و بشعره ممنوعه دست برد «پادافره» یافت و از آن مقام امن باین خاکدان تبعید شد هرگز برسر عقل نیامد.

ما فرزندان آدم همچنان بسوی فواکه ممنوعه دست میبریم و هم چنان مجازات میشویم. نه سرنوشت پدر ما را برسر عقل میآورد و نه شدت مجازات از حرص و ولع ما در ارتکاب مناهمی میکاهد.

قرن‌ها است که بشر این نسخه را مینویسد و درخیمان و دستاقبانان، این عطاران پیر؛ این نسخه را می‌پیچند تا مگر روح مریض فرزندان آدم را علاج کنند ولی درد باقی است و علائم آن روز بروز بیشتر میشود.

از آن هنگام که شدیدترین مجازات‌ها را اعمال میکردند و گناهان کوچک را بکیفرهای سخت میرساندند تا زمان ما که لطافت طبع بشری در کمیت و کیفیت مجازات‌ها دست برده و آنرا تلطیف کرده؛ هرگز مجازات نتوانسته است مجرمی را اصلاح کند و او را به جمع انسانهای صالح و صالح باز آورد.

دویست سال بیشتر نیست که پزشکانی با تفکر تازه پدید آمده آن نسخه را پاره و برای علاج مجرمین داروهای تازه‌ای تجویز کرده‌اند و از آن زمان است که مطالعه و تحقیق نسبت بروشهای نوادسه دارد و هر روز نتایجی بهتر از روز پیش از این روش‌های تازه بدست میآورند.

در همان اوان؛ ویکتور هوگو نمونه کامل مجرمی را که هرگز مجازات نتوانسته است او را اصلاح کند در شخص ژان والژان متصور مینماید:

این ژان والژان دزد کوچکی است که بخاطر سرقت قرصی نان بزدان افتاده است؛ او پس از پانزده سال تحمل زندان اعمال شاقه هنگامی که آزاد میشود بصورت مجرمی خطرناک که اندیشه ثابت او انتقام است بی کس و بی هدف و سرگردان راه خارج از زندان را پیش میگیرد؛ مجازات نه تنها در او اثری نکرده بلکه او را بصورت حیوانی سبع یا نیمه انسانی شقی درآورده که حتی از بشقاب غذای میزبان و از پول سیاه کودک راهگذر در نمیگذرد.

فقط رفتار انسانی اسقف نیکوکار در روح او چون صاعقه‌ای اثر کرده، تیرگی‌ها را بسوزاند و از زیر زنگار متراکم سالهای زندان روح انسانی او را بیرون میکشد.

چندکلمه درباره : معایب تخفیف مجازات

ویکتورهوگو در این اثر انسانی خود نشان میدهد که چگونه مجازات کسی را که در نتیجه استیصال بسرقت یک قرص نان دست برده بود بحیوانی خطرناک وسیع تبدیل میکند و چگونه همان جانی خطرناک بر اثر مواظبت‌های روح نواز شخصیت انسانی خود را باز مییابد وبصورت خدمتگذار صمیمی جامعه خود در میآید.

این تصویر مؤثری که ویکتورهوگو از بیهودگی مجازات ترسیم کرده است حاصل اندیشه همه‌کسانی است که مجازات را برای اصلاح مجرمین نافع نمیدانند و راههای نازهای برای رسیدن باین هدف پیشنهاد میکنند.

این وسائل جدید که با اقدامات تأسینی معروف شده اند همانطور که ویکتور هوگو یک نمونه آنرا در رفتار استقف نیکوکار نسبت بزنان والزان تشریح نموده است متوجه آن است که روح مجرم را عاشق و بلکه اسیر محبت و نیکی سازند بطوریکه مجرم پس از مدتی که تحت رژیم مخصوص مربوط باین اقدامات قرار گرفت چون بریضی که بهبود مییابد از درد نادرستی و شقاوت رسته ومحیط اعمال اقدامات تأسینی را که برای او چون بیمارستان و آسایشگاهی است ترك کند و با تندی برافراشته که روحی صادقی و سانه در خود دارد بسوی زندگی روانه شود.

امروز دیگر قضاة ؛ این طیبیان ارواح معلول ؛ نسخه کهنه مجازات را بیکسو انداخته و از داروی جدید و شفا بخش اقدامات تأسینی استفاده میکنند ، در سراسر جهان این داروی جدید تأثیری معجزه آسا داشته و هر جا با دقت و بهارت تجویز شده قوس صعودی جرائم بنزول گرائیده است ؛ ولی اعمال این اقدامات وسیله میخواهد، وسائل جدید و متناسب ؛ از دژ خیمان و دستا قبانان فرسوده اداره اسکنه‌ای که جای زندان را بگیرد و رژیم اصلاح تدریجی مجرم در آن عملی شود ساخته نیست.

قضاتی که پس از صدور حکم و حتی قبل از آن فارغ از حال و گذران متهم و محکوم هستند هرگز نمیتوانند بر اجرای طریقه صحیح اقدامات تأسینییه نظارت کنند - اگر در سرزمینی بخواهند بدون تهیه مقدمات وبدون تغییر همه جانبه عوامل اجرای مجازات با اقدامات تأسینییه توسل جویند حاصلی جز افساد این وسیله جدید نمیتوان انتظار داشت.

برای امکان اجرای این طریقه تازه قبل از هر چیز باید اندیشه قاضی تغییر یابد، اگر قاضی مجرم را کسی بداند که باید طرد شود و اگر مجازات را وسیله انتقام یا تشفی خاطر مجنی علیه بداند هرگز نمیتواند با اقدامات تأسینی مومن باشد و آنرا درست اجرا کند.

قاضی جزائی عصر جدید که مایل است بوسیله اقدامات تأسینی بیچنگ جنابنکاری برود مجرم را بریضی میداند که باید علاج شود و مجازات و اقدام تأسینی را همچون داروئی میشناسد که باندازه‌ای معین برای علاج این مریض باید تجویز گردد.

مهمتر از قاضی که چون طبیب چیره دستی با مجرم که مریض تیره بختی است روبرو میشود سایر عوامل اجرای مجازات که امروز بشکل مأمورین عذاب متجسم هستند باید همچون فرشتگان رحمت - مانند پرستاران دلسوز از این مریض مواظبت کنند.

چندگلمه درباره : معایب تخفیف مجازات

هنگامی که در سرزمینی اقدامات تأمینیه اجرا میشود زندانبانان باید وظیفه خواهران مقدس را انجام دهند - کسانی که وظیفه اصلاح و علاج قاضی را تکمیل میکنند. با تمهید چنین اقداماتی میتوان با اجرای اقدامات تأمینیه متوسل شد.

از مقدمه در گذریم : در عنوان مقاله از تخفیف مجازات و آزادی مشروط نامی برده شده است : این هر دو عنوان که یکی با تدوین قانونی مجازات بوجود آمده و این دومی در حقوق ما تأسیسی بدیع است از تشریفات تفکر جزائی جدید میباشد - تفکری که بموجب آن در اجرای مجازات باید شخصیت و وضعیت مجرم مورد توجه قرار گرفته و در تعیین میزان مجازات مؤثر دانسته شود.

تخفیف مجازات که یک وسیله ساده و ابتدائی برای اعمال این رویه است؛ متأسفانه هرگز نتوانسته در وصول به هدف عالی اصلاح مجرمین مؤثر باشد زیرا توسل به تخفیف مجازات که اغلب ناشی از رقت قلب قاضی است اغلب باعث میشود که مجرمین حرفه‌ای هم مانند سایر مجرمین آزمایای آن برخوردار شده و بالتبلیغه اسکان اجرای قواعد مربوط بتکرار جرم از دست برود.

مجرمی که از تخفیف مجازات استفاده می‌کند با راحتی خیال و حتی با اطمینان باینکه باز هم میتواند دست بجنایت برد و باز هم از این تخفیف برخوردار شود بدون مواظبت و نظارت در اجتماع رها میشود.

بهین جهت است که در حال حاضر متهمی که یکمرتبه بزندان میافتد و با دادگاه سروکار پیدا می‌کند از آن پس با قوت قلب و اطمینان خاطر مرتکب جرم میشود زیرا این شخص با روحیه سلایم قضات آشنا شده و به نتایج تخفیف مجازات آگاهی یافته است چنین شخصی زندانها را شناخته و یاد گرفته است که در آن مقام مواظبت و دقت و توجه بر رویه و تدبیر برای اصلاح اخلاق و رفتار حرفی پوچ است و بنا بر این هر چه باشد و هر چه بکند میتواند با ظاهر سازی موقتی در محضر قاضی رقت او را جلب کرده و باز هم از تخفیف مجازات مستفیض شود و باز هم براه خود ادامه دهد.

مضرات تخفیف مجازات و نتایج سوء آن از حد احصاء خارج است ؛ با همین اشاره مختصر میتوان با اندکی دقت در احوال اجتماع کنونی ما این نتایج سوء را بالعیان دید .

اما در مورد « آزادی مشروط » ! این تشریح بدیع و مفید میتوان سخن بسیار گفت ؛ آزادی مشروط ساده ترین انواع اقدامات تأمینیه است - البته در ممالکی که رژیم کامل اقدامات تأمینیه بر قرار است آزادی مشروط آخرین درجه رژیم اصلاح و آزادی تدریجی مجرمین است ، رژیمی که از حبس مجرد بدون ملاقات در سلول شروع شده و بزندان عادی و سپس زندان باز توأم با کار و سپس آزادی متناوب منجر میشود و پس از آزادی متناوب آزادی تحت نظارت در میسرسد و بالاخره مجرمی که تحت کیفیات فوق بتدریج بسوی اصلاح و آزادی آمده است با آزادی مشروط از مجازات میرهد .

در باره هر یک از این درجات سخن بسیار است و فوائد رژیم اصلاح تدریجی بدلائلی که بآمار جزائی مستند است عملاً آشکار گردیده .

چند کلمه درباره : معایب تخفیف مجازات

خوشبختانه اخیراً با تصویب قانون راجع با آزادی مشروط حقوق جزای ما بدوران تازه‌ای قدم گذاشته و قضات جزائی ما میتوانند با اعمال این اقدام خود را با اقدامات تأمینی مأنوس نموده و بتدریج با تهیه قوانین و وسائل رژیم کامل اصلاح تدریجی را اعمال نمایند. در حال حاضر که قانون آزادی مشروط تصویب شده است محاکم جزا باید یکسره بروی تخفیف مجازات خط بطلان کشیده و اگر متهمی را مستحق تخفیف میدانند پس از قطعیت حکم باو آزادی مشروط اعطا کنند تا بدینوسیله مجرم تا مدتی که دوره آزمایش سپری میشود در بیم و امید بسر برد و جرئت ارتکاب جرائم تازه را نیابد.

در حالیکه اگر متهم از تخفیف مجازات برخوردار شود چون این تخفیف قطعی است و چون در اثر اعمال تخفیف در بیشتر موارد مجازات متهمین از دو ماه کمتر میشود اثر این مجازات بطور کلی از بین رفته و متهم اگر مرتکب جرم جدیدی شد نمیتوان نسبت باو قواعد راجعه بتکرار را عملی نمود ولی متهمی که از آزادی مشروط استفاده کرده است در دوره آزمایش (دوره ای که مشروطاً آزاد است) نمیتواند از حدود قواعد و قوانین تخطی کند زیرا در صورت تخطی و در صورت ارتکاب جرم جدید - مدت باقیمانده مجازات قبلی هم نسبت باو اعمال شده و بعلاوه مشمول قواعد تکرار جرم خواهد شد و مهمتر آنکه برای استفاده از آزادی مشروط متهم باید رضایت شاکی خصوصی را تحصیل نموده و ضرر و زیان وارده براو را جبران نماید.

باین جهات است که با قاطعیت تمام میتوان تخفیف مجازات را منسوخ نموده و بجای آن آزادی مشروط را در بسیاری موارد اختیار کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی